

ارزیابی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

از منظر زندان و آثار اصلاحی آن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۱۰/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۱/۱۲)

دانیال زارعی

کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهرکرد

چکیده

مجازات حبس با توجه به این که از پرکاربردترین مجازات ها محسوب می گردد در طول زمان های گذشته تا به کنون دستخوش تغییراتی گردیده و انتظار بر این است که در آینده هم در راستای افزایش بهره وری از این مجازات، مجازات حبس مجددا مورد بازبینی های مختلفی قرار گیرد. با توجه به تورم جمعیت کیفری حاضر در زندان ها، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در راستای رویکرد حبس زدایی با ویژگی هایی همچون کاهش مجازات برخی از عناوین مجرمانه، افزایش جرایم قابل گذشت، تغییر مجازات حبس ابد به حبس درجه یک، انعطاف بخشی بیشتر در راستای اعمال جهات مخففه، افزایش زمینه های امکان استفاده از نظام نیمه آزادی و همچنین نظارت الکترونیکی جهت اجرا ابلاغ گردید. مسلما با توجه به اینکه تغییر در قوانین همیشه منتقدین و حامیانی نیز داشته است، قانون مورد نظر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بسیاری از صاحب نظران در این باره اظهاراتی نیز داشته اند، بصورتی که تغییر در مجازات جرم آدم ربایی در راستای کاهش جمعیت کیفری حاضر در زندان ها منتقدانی را نیز به دنبال داشته ولی در مقابل آن افزایش ظرفیت استفاده از نهادهای سالب آزادی مورد حمایت قرار گرفته است که مسلما با تجهیز منابع و امکانات و در نتیجه افزایش استفاده از آن می توان به هدف کاهش جمعیت حاضر در زندان ها کمک بخصوصی نمود. پژوهشگر در پژوهش حاضر با بررسی قانون مذکور به تأییراتی که قانون فوق بر کیفرزدایی و آثار اصلاحی آن دارد، پرداخته است.

واژگان کلیدی: کاهش مجازات، حبس تعزیری، زندان، اصلاح و تربیت

مقدمه

قاعدتاً برقراری نظم و امنیت و نحوه اجرای عدالت در افزایش بهره‌وری روابط صحیح بین مردم تأثیر بسزایی دارد و تحت همین عنوان اندیشمندان و صاحب‌نظران کیفری در رابطه با مجازات حبس با هدف ارتقای بهره‌وری قوانین مختلفی را از گذشته تا به امروز مورد استفاده قرار داده‌اند. حبس یکی از شیوه‌های برخورد با مجرم و استیفای حقوق فرد و جامعه است که در میان تمام ادیان و تمام فرهنگ‌ها، جایگاه خود را داشته است. این نوع مجازات در دین مبین اسلام و فقه آن، مشروعیت داشته و در موارد محدودی به کار برده می‌شود. مجازات حبس نیز از ابتدا تا کنون تغییراتی را به خود دیده است و با توجه به روند تغییرات جوامع، امروزه به یکی از شیوه‌های مجازاتی شایع تبدیل شده است. نظام حقوقی ایران نیز که بر اساس دستورات اسلام و بر پایه فقه اسلامی پی‌ریزی شده از این قاعده مستثنی نیست. فراوانی کاربرد این مجازات و آثار زیانبار آن، چنان ظهور و بروزی در جوامع پیدا کرده که حقوقدانان معاصر بر خلاف دو سده پیش درصدد هستند تا راهی برای حذف این مجازات از چرخه‌ی مجازات‌ها بیابند. قانونگذار ایران نیز رویکرد حبس زدایی و توجه به مجازات‌های جایگزین حبس را در پیش گرفت و این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که اخیراً قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با تصویب مجلس رسید. قانون جدید ضمن کاستن از مجازات (نه فقط حبس) برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین‌های حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاه‌ها را تغییر داد. مسئله این است که صرفاً با تصویب چنین قوانینی به اصلاح و تربیت مورد نظر زندانها نخواهیم رسید زیرا تا زمانی که امکانات، منابع، زیرساخت‌ها و نیروهای انسانی متخصص و کافی به زندان‌ها اختصاص ندهیم رسیدن به هدف زندان‌ها بسیار سخت می‌باشد. با تصویب و اجرایی کردن قوانینی که صرفاً جمعیت حاضر در زندان‌ها را کاهش می‌دهد عملاً صورت مسئله را حذف کردیم که در مقابل آن می‌توان با تجهیز عوامل دخیل در

اصلاح و تربیت زندانیان زمینه فعالیت های اصلاحی و تربیتی زندان ها را گسترش دهیم. البته فارغ از این مسائل نباید از کمک شایان قانون مذکور در گسترش استفاده از جایگزین های سالب آزادی به راحتی عبور کرد ولی همین امکان گسترش استفاده از جایگزین های سالب آزادی هم در گرو تامین زیرساخت ها و افزایش زمینه های بهره وری از این جایگزین ها می باشد. بنابراین در راستای رسیدن به هدف اصلاح، تربیت و باز سازگاری اجتماعی راهی جز تجهیز و تکمیل منابع و زیرساخت ها نیست و این منابع و زیرساختها باید به گونه ای باشند که در زمان مواجهه با تصویب چنین قوانینی توانایی پاسخگویی به تکمیل مراحل اصلاح و تربیت و اعمال فعالیت های مراقبت های پس از خروج زندانیان وجود داشته باشد.

بخش اول: مفهوم حبس تعزیری

حبس به عنوان یکی از مجازات های سلب آزادی یکی از رایج ترین مجازات ها در نظام کیفری ایران است. در ایران از نظر مدت حبس به دو دسته حبس ابد و حبس تعزیری تقسیم می شود. حبس ابد یک مجازات محدود است و طبق نظر شرع مقدس تعیین می شود و قانونگذار و قاضی حق تغییر یا تخفیف آن را ندارند. مثل حبس ابد برای سرقت درجه سه، اما حبس تعزیری، مجازاتی است که میزان آن توسط مجلس قانونگذاری و در ۸ درجه متناسب با جرم ارتكابی تعیین می شود و در مواردی برای قاضی این اختیار وجود دارد که تحت شرایطی میزان آن را تقلیل دهد یا تبدیل به مجازات دیگری کند. در حقوق کیفری ایران، تعزیر مجازاتی فراتر از حد شرعی است، به عبارت دیگر، تعزیر مجازات جرایمی است غیر از جرایمی که در قانون مجازات اسلامی برای آن مجازات، قصاص و مهریه در نظر گرفته شده است. تعزیر در شرع از نظر مقدار معین نمی شود و در فقه مجازاتی است که برخلاف حداد، شرع مقدار آن را تعیین نکرده است و تعیین آن به تشخیص قاضی است. تعزیر در لغت به معنای رکوع، تنبیه، حمایت و نهی است. ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتكاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت



اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. مجازاتی که قصاص، دیه و حد نباشد، تعزیری است. مجازات دیه، قصاص و حد، مجازات هایی هستند که قانون گذار با توجه به احکام شرعی تعیین می کند. در واقع هدف از مجازات تعزیری، ابتدا اصلاح و در ادامه جلوگیری از بهم ریختگی نظم عمومی، رعایت قوانین حکومتی و تأدیب و تنبیه متهم است. حبس تعزیری از جمله مجازات هایی است که میزان آن در شرع مشخص نشده و قانونگذار میزان مجازات را تعیین کرده است. این حبس به هشت درجه تقسیم می شود که درجه اول شدیدترین و درجه هشتم آن سبک ترین است. در برخی موارد می توان مجازات حبس را به جزای نقدی یا جایگزین حبس کاهش داد (گودرزی، ۱۳۹۶: ۷).

حبس تعزیری حبسی است که نوشته می شود و اجرا می شود و متفاوت با حبس حدی (یعنی حدود الله) است و در اختیار حاکم است. گاهی حبس تعزیری، مقابل حبس تعلیقی است که در مورد متهم اجرا نمی شود؛ اما حبس تعزیری اجرا می شود و نوعی تأدیب به شمار می آید که طبق شرع و ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران به نظر حاکم واگذار شده است. این نوع حبس برای جرائمی که ریشه شرعی دارند و از اعمال حرام محسوب می شوند در نظر گرفته می شود اما در شرع مجازات قطعی برای آنها تعیین نشده است. بر خلاف تصور رایج، حبس تعزیری قابل فروش نیست. در قانون مجازات اسلامی مجازات های جزایی اعم از حبس و جزای نقدی برای سهولت اجرای اصل تناسب و اصل فردی شدن جرم به چند درجه تقسیم شده و مجازات هر درجه در قانون تعیین شده است. یعنی هر جرمی با توجه به مدت محکومیتش در همان حد مجازات کیفری قرار می گیرد.

بخش دوم: تاثیر مکاتب کیفری بر سیاست حبس زدایی و کاهش مجازات حبس

گسترش افکار فیلسوفان و متفکران تغییرات عمده ای در نظام کیفری و نحوه اجرای مجازات ها به وجود آورد. جان هوارد یکی از اولین متفکرانی بود که تغییرات مهمی در مجازات سلب آزادی ایجاد کرد به سال ۱۷۷۷ میلادی منتشر ساخت و بیش از پیش نظرها را به شرایط نامطلوب زندان ها جلب نمود با انقلاب

۱۷۸۹ فرانسه روند اصلاحات تحت تأثیر افکار بشردوستانه تسریع شد به دنبال آن مکاتب کیفری شکل گرفته و هر کدام به سهم خود دگرگونی های اساسی در نحوه اجرای مجازات سالب آزادی با هدف تحدید قلمرو آن و دوری از اثرات زیانبار زندان به وجود آوردند. تمایل به تجدید مجازات حبس از دیرباز در میان برخی از اندیشمندان مکاتب کیفری مختلف وجود داشته است، به طوری که زمینه اصلی شکل گیری سیاست جایگزین فراهم شد. در این بخش سعی شده است تا مهمترین روندهای مربوط به محدودیت دامنه مجازات محرومیت از آزادی در مدارس کیفری مختلف بررسی شود تا تحلیل سیاست جنایی ایران در خصوص کاهش مجازات با استفاده از مدارس جزایی تبیین شود.

۱. مکتب کلاسیک

مکتب کلاسیک ریشه در افکار مونتسیکو، روسو، بکاریا و بنتام دارد، پس از انقلاب فرانسه، با تلاش گیزو، جفری و چارلز لوکا گسترش یافت و مجموعه قوانین کیفری قرن نوزدهم را تحت تأثیر قرار داد (بکاریا، ۱۳۷۴: ۱۵۲). بر اساس آرای متفکران این مکتب، جرایم و مجازات ها تابع اصول و قواعد خاصی بوده است. نظام های مختلف به تدریج اصول قانونی بودن، برابری و مجازات های شخصی را به رسمیت شناختند. بدین ترتیب مجازات سلب آزادی نیز تحت نظم و ضابطه قرار گرفت و از رجوع خودسرانه و بی قید و شرط به آن جلوگیری و محدود به موارد و شرایط خاص شد. شناسایی اختیار و مسئولیت اخلاقی انسان توسط این مکتب، ضمن تأکید بر مسئولیت کیفری، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان را نیز در حیطه مسئولیت فردی ممکن دانست. به گفته بکاریا، مطمئن ترین و در عین حال سخت ترین ابزاری که می توان برای پیشگیری از وقوع جرایم به کار برد، تکمیل استانداردهای آموزشی است (همان، ۱۵۳). مکتب کلاسیک برای اجرای مجازات اهمیت زیادی قائل است و معتقد است که سازمان زندان ها و اجرای احکام باید به گونه ای باشد که مجرم در حین اجرای مجازات آموزش ببیند و با ایجاد کار منظم برای زندانیان و آموزش عمومی و حرفه ای آنها آموزش و پرورش باید انجام شود (صدرات، ۱۳۴۰: ۵۷). اگرچه طرفداران مکتب کلاسیک از مجازات حبس حمایت می کنند، اما همواره از اجرای آن و سیستم زندان انتقاد می کردند.



در آثار برخی از نویسندگان این مکتب راه حل هایی برای دوری از آثار زیان بار مجازات سلب آزادی و محدود کردن قلمرو آن دیده می شود، چنانکه ابن ویل دومارسنگی در سال ۱۸۴۶ با گشایش جلسه دادگاه رأس فرانسه، آزادی مقدماتی را پیشنهاد کرد. این پیشنهاد بعدها در چند کشور دیگر تحت عنوان «آزادی قانون اساسی» یا «پاول» پذیرفته شد. این موضوع الهام گرفته از نظراتی بود که پیش از این در زمینه صدور احکام به منظور اصلاح و درمان مجرمان مطرح شده بود. در سال ۱۸۷۷، مخترع آن، به نام بری، طرح آن را پیشنهاد کرد و برای اولین بار در مرکز اصلاح و تربیت المیرا در نیویورک اجرا شد (صلاحی، ۱۳۵۴: ۲۶۲).

۲. مکتب تحقیقی

در حالی که قهرمانان عصر کلاسیک را نویسندگان و فلاسفه تشکیل می دادند، اثبات گرایان اغلب، دانشمند، ریاضیدان، پزشک و اخترشناس بودند. در حالی که اصلاح طلبان کلاسیک در پی نوسازی و متمدن کردن نظامی بودند که در آن زندگی می کردند، اثبات گرایان، به نظم رسیده بودند و دنیای اطراف خویش را توصیف می کردند. از این رو تمرکز پیشین بر روی ساخت نظام اخلاقی و عادلانه از عدالت و حکومت جای خود را به کاوش و اکتشاف علمی دیگر جنبه های حیات داده بود. اگرچه کلاسیک ها بر این باور بودند که انسان ها دارای ذهنی عقلانی هستند و لذا اراده ای آزاد برای انتخاب خوب از بد دارند، اما اثبات گرایان، رفتار را ناشی از ویژگی های زیستی، روانی و اجتماعی می پنداشتند. ویژگی های اساسی اندیشه جرم شناختی اثباتی شامل دیدگاه جبری از جهان، تمرکز بر روی رفتار مجرمانه به جای تمرکز بر مسائل قانونی مانند حقوق و پیشگیری از جرم از خلال بازپروری و اصلاح بزهکاران بود (محمدی، ۱۳۹۵: ۶۱ و ۶۲). در نیمه دوم قرن نوزدهم مکتبی کاملاً ایتالیایی تحت تاثیر تفکرات و عقاید سزار لمبروزو، انریکوفری و رافائل گاروفالو به نام مکتب اثباتی بنیان گذاری شد. این مکتب با منتشر شدن کتاب انسان جنایتکار از دکتر لمبروزو به وجود آمد و با کتاب های جامعه شناسی کیفری و جرم شناسی به ترتیب اثراتی از انریکوفری و گاروفالو نیز تکمیل گردید. تحت تاثیر عقاید سه شخص مذکور بود که مکتب تحقیقی به وجود آمد که این مکتب مکتبی کاملاً جدید در حقوق جزا بود و با مکتب کلاسیک که



سابقاً پیرامون آن مباحثی عنوان شد کاملاً فرق داشت. پیروان مکتب تحقیقی اعتقاد داشتند که انسان در جریان ارتکاب اعمال مجرمانه اراده ای از خود ندارد که در همین راستا مکتب کلاسیک به دارای اراده بودن انسان در زمان ارتکاب جرم اعتقاد داشت. ذیل همین اعتقاد بود که پیروان مکتب تحقیقی مجازات نمودن انسان ها را قبول نداشتند. از تفاوت های میان نظریه پردازان مکتب کلاسیک و تحقیقی می توان به این نکات اشاره نمود که نظریه پردازان دوره کلاسیک را فلاسفه و نویسندگان تشکیل می داد ولی نظریه پردازان تحقیقی اغلب متشکل از پزشک، دانشمند و ریاضیدان بودند. متفکران مکتب کلاسیک انسان ها را دارای ذهنی عقلانی می دانستند که با استفاده از اراده آزاد خود از خوب یا بد استفاده می کنند ولی در مقابل نظریه پردازان تحقیقی رفتارهای انسان را ناشی از ویژگی های اجتماعی و روانی و زیستی می دانستند. زیربنای فکری این مکتب مبتنی بر تفکرات فلسفی اگوست کنت فیلسوف فرانسوی و همچنین تحت تاثیر آن دسته از یافته های جدید علوم طبیعی بود که در خصوص زوایای مختلف زندگی نباتی انسان توسط کسانی مثل المارک فرانسوی و داروین انگلیسی مطرح شده بود. پیروان این مکتب به ویژه لمبروزو به دنبال اثبات علمی و تجربی این امر بودند که اظهار نظرهای دانشمندان راجع به حیات بشری و تغییرات اجتناب ناپذیر شخصیت زیستی- روانی این افراد که بر رفتارشان نیز تاثیر اجباری و به سزایی دارد در نحوه ارتکاب جرایم نیز به دخالت دارد اگرچه با تحقیقات و مطالعات متعددی به نتایج مختلفی رسیدند (صفاری، ۱۳۹۹: ۷۴). پیروان مکتب تحقیقی اجبار را پایه مکتب خود می دانستند و برای انسان جنایتکار دو صفت اولاً انسان جنایتکار از خود اراده ندارد و مختار نیست و همانند سایر انسان ها در ارتکاب اعمال خود مجبور می باشند و به همین واسطه از نظر اخلاقی مسئولیتی ندارند و ثانیاً انسان جنایتکار از نظر اجتماعی عنصری خطرناک است که به دلیل همین خطرناک بودن، واکنش جامعه الزامی است و به همین خاطر مجرم الزاماً باید سرکوب بشود، را در نظر گرفته بودند و همین گفته های مذکور را علل ارتکاب جرم می دانستند. اثباتیون اقدامات تامینی را بر ضمانت اجراهای جزایی و حالت های سزادهی ترجیح می دادند و به اقدامات تامینی توجه بیشتری داشتند. در



همین راستا آنان معتقد بودند که کنترل مجرمان توسط مجازات باید بر اساس حالت خطرناک آنان باشد و نه بر حسب جرم ارتكابی که در همین زمینه اعتقاد داشتند که به دلیل اینکه همه حالت های خطرناک قابل پیش بینی نمی باشند آزادی عمل قاضی باید در این زمینه زیاد باشد تا به هر اندازه ای که تشخیص بدهد اعمال نماید. در همین راستا می بینیم که اصل قانونی بودن مجازات که از اصول اصلی مکتب کلاسیک بود توسط اثباتیون مورد خدشه قرار می گیرد.

پیروان مکتب تحقیقی اعتقاد داشتند که برای پیشگیری از جرم باید یک سری مقرراتی خاص به وسیله دولت ها وضع شود که اجتماع در مقابل مجرمین محفوظ بوده و بدین واسطه اعمال مجرمانه مجرمین علیه اجتماع خنثی شود. منظور از مقررات مذکور اقدامات تامینی می باشد که قاعداً با مجازات تفاوت هایی دارد. مجازات ها معمولاً هدف تادیبی دنبال می کنند ولی اقدامات تامینی به منظور حفظ امنیت اجتماعی در مقابل اعمال مجرمین و در نتیجه پیشگیری از ارتكاب جرم انجام می گیرد که بنابراین اقدامات تامینی هدف تادیبی ندارند. اقدامات تامینی از نظر مدت زمان اجرا نامحدود است و زمانی پایان می یابد که حالت خطرناک در مجرم از بین رفته باشد ولی از این نظر مجازات ها برخلاف اقدامات تامینی می باشد. باید دانست که علل اصول تعداد مقررات و اقدامات تامینی بسیار زیاد و نامحدود است. ولی برای اینکه معیاری به دست آورده باشیم، مهمترین آنها را در ذیل ذکر نموده و شرح می دهیم:

۱. مقررات جبران کننده که ناظر است به جبران حقوق تجزیه شده از مجرم، یا به عبارت دیگر از بین بردن وضعیت ضد حقوقی ایجاد شده، محو آثار جرم، پرداخت خسارت به مجنی علیه.

۲. مقررات طرد کننده که برای طرد مجرم از اجتماع در نظر گرفته می شود، اعم از تردد دایمی یا موقتی، نظیر: اعدام- حبس ابد- تبعید و غیره

۳. مقررات سرکوبی کننده که هدف آنها تنبیه مجرم است، و از این نظر با مجازات شباهت و نزدیکی کامل

پیدا می کنند نظیر، حبس، جریمه نقدی و نظایر آن.

۴. مقررات اصلاح کننده که هدف آنها اصلاح مجرم و انطباق مجدد او با محیط



اجتماعی خویش است. مثل به کار گماردن مجرمین ولگرد و بی کار در کارگاه های حرفه و تخصصی، جهت آموزش علم و سواد به آنان و تربیت صحیح این دسته به منظور آماده شدن آن برای زندگی اجتماعی.

۵. مقررات درمان کننده که منظور آنها معالجه و بهبود بیماران روانی، یا مجرمین معتاد به الکل و مواد مخدر می باشند

۶. مقررات دور کننده که هدف آنها دور کردن مجرم از محیط اجتماعی پیشین او است. مثل اخراج مجرم از محل وقوع جرم، یا منع اقامت او در محل های قبلی و اجبار به اقامت در یک نقطه دور افتاده.

۷. مقررات محروم کننده که منظور آنها محروم کردن مجرم از شغل یا امتیازی است که قبلاً داشته است. مثل منع اشتغال به پیشه یا حرفه معین، یا لغو پروانه رانندگی و محرومیت او از هدایت وسایط نقلیه و نظایر این ها (صالحی، پیشین: ۷۲ و ۷۳).

مکتب تحقیقی پیشنهاد اقدامات تامینی را به جای اعمال مجازات ها داد. با این حال نه تنها اقدامات تامینی جایگزین مجازات ها نشد بلکه اقدامات مزبور به مجازات ها اضافه گردید بدین صورت که هم مجازات ها وجود دارند و هم اقدامات تامینی که این موضوع باعث گسترش استفاده حبس گردید که انتقادهای فراوانی را در پی داشت. از جهت گسترش استفاده از کیفر حبس و عناوین مشابه، نه تنها در اندیشه مکتب تحقیقی انواع حبس و اقدامات مشابه به عنوان یک نهاد تامینی و تربیتی برای اصلاح بزهکاران مطرح شد بلکه نهادهای جدید کیفری مثل مراکز نگهداری مجرمین به عادت و غیره نیز تحت تأثیر و به پیشنهاد طرفداران این مکتب به وجود آمدند. امروزه این تحولات منشاء مشکلات زیادی برای نظام کیفری و موضوع انتقادات زیادی از کیفر عکس و نهادهای مشابه آن است.

۳. مکتب دفاع اجتماعی

اندیشه های مکتب تحقیقی اگرچه باعث حرکت آموزه های کیفری و منشأ پیدایش جرم شناسی و علوم کمکی حقوق جزا شد، اما به لحاظ محدودیت هایی که برای حقوق اساسی افراد ایجاد کرد و به دنبال مشکلات ناشی از دو جنگ جهانی، متفکران نیمه اول قرن نوزدهم به منظور حفظ آزادی های فردی و اعتلای



کرامت انسانی، به دنبال یک سیاست جنایی منطقی بودند که با اصلاح افراد و اقدامات پیشگیرانه، دفاع اجتماعی را با توجه ویژه به واقعیات ارائه دهد. اگرچه مکتب دفاع اجتماعی در آغاز قرن بیستم توسط آدولف پرینس و اتحادیه بین المللی حقوق کیفری ارائه شد، اما مفهوم جدید دفاع اجتماعی با ابتکار فیلو گرمیت تعریف و توسط مارک آنسل توسعه یافت. گراماتیکا می نویسد: دفاع اجتماعی همان اصلاح افراد است، این کار در واقع دفاع از جامعه از طریق اصلاح افراد است. لازم به ذکر است که هدف اساسی دفاع اجتماعی اصلاح شخصیت مجرم است (صلاحی، ۱۳۵۴: ۶۰). گراماتیکا تدابیر دفاع اجتماعی را به جای مجازات می نشاند و می گوید مفاهیم بزه، مسئولیت و کیفر باید حذف و جامعه ستیزی را جایگزین مسئولیت و نشانه های جامعه ستیزی شخصی فرد و درجات آن به جای برزه قرار داد (پرادل، ۱۳۷۳: ۷۲).

۴. مکتب نئوکلاسیک

برخی از نویسندگان با توجه به ضعف هایی که در اندیشه اصلاح و درمان از نظر شکست عملی آن وجود دارد و به دلیل مغایرت آن با اصل آزادی فردی، بار دیگر بر ایده های اولیه مبتنی بر نقش اخلاقی و ارباب مجازات تاکید می کنند. زیرا گناه و ندامت مجرمان و نیز آزادی اراده فردی، منشأ تأمل در انجام یا عدم اقدام است و دلجویی از افکار عمومی از طریق ارباب و مجازات نقش مؤثر خود را ایفا می کند. فون هیرش به نفع مجازات می نویسد: «محرومیت مجرم درست است، او سزاوار آن است». او مستحق چنین محرومیت هایی است زیرا در راه ناشایست قدم گذاشته است و بنابراین مجازات تنها وسیله ای برای پیشگیری از جرم نیست. بلکه پاسخی شایسته به عمل مباشر جنایتکار نیز تلقی می شود و به این ترتیب نوعی تعادل در مفهومی که کانت مد نظر دارد برقرار می کند و یونگر با سختی هایی که بر مباشر انجام می دهد، او را محکوم می کند. تهدیدهایی که ممکن است با تغییر طرز فکر مجرم از طریق تجسم چشم انداز پیامدهای ذهن بد او را کاهش دهد (پرادل، ۱۳۷۳: ۱۱۶). از نظر نوکلاسیک نویسان، مسئولیت اخلاقی مبنای مجازات و فردی شدن معیارهای کاربردی آن است و ضمن تایید انتخاب ضمانت اجرا با توجه به مصداق شخصیت، رابطه مسئولیت و ضمانت اجرا را نفی

می کنند. به گفته کوسن، تناسب قدیمی بین اهمیت جرم و شدت توهین با اعمال تعداد نامحدودی از عوامل تشدید کننده و پنهان تنظیم می شود. برخی از نویسندگان طرفدار نفوکلاسیک نیز به نقش بازپروری محکوم توجه می کنند و به آزادی زندانی در پذیرش کار بازپروری اهمیت می دهند. این امر موضوع مهم کتاب «آینده مجازات زندان» نوروال موریس است (همان، ۱۲۳).

بخش سوم: تحلیل جزایی فلسفه حبس زدایی

مهمترین فلسفه وجودی جنبش حبس زدایی عبارتند از:

۱- کارایی نظام حبس زدائی در تأمین غایت سزادهی

یکی از فلسفه های وجودی جنبش لغو زندان، اثربخشی نظام حبس زدایی در تامین هدف مجازات است. در این رابطه توانایی کامل حبس در تامین هدف مذکور محل بحث است. به نظر می رسد زمانی که افراد در جامعه به دلیل مجازات های مفتضحانه از جمله حبس شرمنده می شوند، تنها رنجی را که در نظریه مجازات تاکید شده برای اولین بار تحمل می کنند. به عبارت دیگر، هدف از مجازات که به دنبال تحمیل مجازات جرم ارتكابی بر مجرم است، در شرایط خاصی قابل تحقق است. در واقع می توان اذعان داشت که از آنجایی که حبس مجازاتی برای افرادی است که می توان حیثیت آنها را سلب کرد، این ضمانت اجرای کیفری در حوزه مجازات برای مجرمانی است که پیش از این به دلیل اقدامات مفتضحانه به جامعه معرفی شده اند، چندان موثر نخواهد بود. شاید به دلیل یک سلسله نقدها، از جمله نقدی که در بالا ذکر شد، که امروزه برخی از نویسندگان تفسیر متفاوتی از نظریه کانت ارائه می کنند. تعدادی از متفکران مدرن، برخلاف رویکرد سنتی به نظریه کانت به عنوان یک نظریه کاملاً سزاوار، نظریه مذکور را ترکیبی از اهداف از جمله قصاص و بازدارندگی کلی می دانند. به گفته وی در واقع تنبیه و ارعاب می تواند مکمل و تقویت کننده عیوب یکدیگر باشد، زیرا زمانی که یکی از اهداف فوق در موضوع خاصی قوی باشد، هدف دیگر در همان موضوع ضعیف است و عکس این وضعیت نیز مورد تایید قرار می گیرد (p, ۲۰۰۰, Christophe Merle, ۳۱).

بخش چهارم: هم خوانی رویکرد حبس زدایی با اهداف عدالت ترمیمی

یکی دیگر از فلسفه های وجودی جنبش حبس زدایی، سازگاری رویکرد حبس زدایی با اهداف عدالت ترمیمی است. به دلیل عدم اجماع جرم شناسان در ارائه



تعریف واحد از نظریه عدالت ترمیمی، تعاریف موجود صرفاً به اهداف و فرآیندهای این تبیین عدالت کیفری می پردازد. عدالت ترمیمی فرآیندی است برای مشارکت دادن کسانی که در یک جرم خاص سهم دارند تا به طور جمعی تصمیم بگیرند که چگونه با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده برخورد کنند، از طریق میانجیگری و مصالحه در یک جلسه دوستانه راه حلی بیابند.

عدالت ترمیمی دعوت به مشارکت کامل و اجماع است. در مقایسه با عدالت کیفری کلاسیک که بدون اجماع و بحث در مورد ابعاد جنایت، دادگاهی رسمی برای تعیین مجازات برای مجرم تشکیل می دهد، به دنبال احیای روابطی است که به دلیل وقوع جرم از بین رفته است. در مقایسه با عدالت کیفری کلاسیک که بر ایجاد رنج، محرومیت و ناتوانی برای مجرم نظارت دارد. این تلاشی است برای ایجاد حس شرم ترمیمی در مقابل شرم مخربی که با پیامدهای عدالت کیفری کلاسیک همراه بود. اهداف اصلی عدالت ترمیمی عبارتند از: اصالت روابط شخصی، جبران خسارت، سازگاری مجدد با هنجارهای اجتماعی و مشارکت. توضیح این که در عدالت کیفری سنتی، قربانی اصلی دولت است، نه فرد، و بنابراین، واکنش اتخاذ شده در جستجوی تأمین حقوق و آزادی های بزه دیده نیست، بلکه در اندیشه حفظ دولت است، و از اقتدار آن حمایت می کند (Roche, 2003, p. 29).

هدف کلی عدالت ترمیمی، تقویت جامعه برای پیشگیری از جرم در آینده است، در مقابل عدالت کیفری قصاصی که به گذشته نگر است و به دنبال مجازات جرم ارتكابی است. واکنش های تنبیهی در عدالت ترمیمی بسیار متنوع و انسان گرایانه است (مانند حکم توهین به مقدسات برای ترمیم آسیب به قربانی و جامعه، عذرخواهی، جریمه روزانه، تعلیق مراقبت، خدمات اجتماعی) در مقایسه با عدالت کیفری کلاسیک که واکنش های آن به حبس و شلاق و تبعید و اعدام و مانند آن محدود می شود (Braithwaite, 2002, p. 99). به لحاظ فلسفی، عدالت ترمیمی بر این باور بنیادین مبتنی است که جرم، تعدی و تجاوز به افراد حکومت و روابط بین آنهاست و نگرش به بزه باید به عنوان «ایراد صدمه به قربانی و آرامش اجتماع» تعریف شود.

این مبنا به پذیرش عناصری بدین شرح منجر می شود:

عدالت کیفری ایجاب می کند که بزه دیدگان و مجرمان و اعضای جامعه محلی در تلاش برای اصلاح امور باشند و از چرخه دادرسی کیفری خارج نشوند و قاضی پیش قدم شود و حکم صادر کند. باید در نظر داشت که در رابطه با حبس و مجازات های جایگزین، باید با تبیین آثار واقعی جرم، تلاش کرد تا بر مجرم تأثیر بگذارد. همچنین حذف حبس به فرصتی برای مجرم تبدیل می شود تا بزهکار را برای شفای قربانیان جنایت تلاش کند.

بخش پنجم: جامع و مشارکتی بودن

مجازات های اجتماعی مجازات هایی هستند که حقوق و آزادی های فردی را محدود می کنند و دارای ویژگی های اصلاحی هستند که با نظارت و مراقبت جامعه و نهادهای مدنی برای گروهی از مجرمان در جامعه اعمال و اجرا می شوند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۶: ۳۳).

امروزه نقش مردم در روند عدالت کیفری بیش از پیش اهمیت یافته و در کنار سازمان ها و نهادهای رسمی، مردم نیز نقش مهمی در تامین منافع جامعه دارند. یکی از ویژگی های مجازات های جایگزین حبس اجتماعی بودن، است و محکوم مجازات خود را در جامعه تحمل می کند. در ماده ۱ لایحه مجازات های اجتماعی به جای زندان به صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات های اجتماعی اشاره شده بود اما در قانون جدید مجازات اسلامی این عبارت حذف شده است. اما به دلیل ماهیت ذاتی مشارکت مردم در این نوع مجازات ها، این حذف نمی تواند تاثیری در کاهش نقش مردم در اجرای این مجازات ها داشته باشد. باید گفت یکی از مهم ترین ویژگی های رویکرد حبس زدایی به ویژه در بحث مجازات های جایگزین، دو جانبه و اجماعی بودن آن است، یعنی علاوه بر اراده مقام قضایی، اراده مجرم نیز برای قابل اجرا بودن این جایگزین ها لازم است. این رویکرد اراده مجرم را تحت اراده مقام قضایی قرار می دهد و آن را از حالت عمودی و یک طرفه خارج می کند و نقش فعالی را برای مجرم در روند دادرسی قائل می شود. بر این اساس مجرمان یکی از طرفین قرارداد کیفری محسوب می شوند، و حق رسیدگی به ابعاد پیشنهاد مراجع قضایی را دارند. پس از ارزیابی این

پیشنهاد می‌توانند در مورد قبول یا رد آن اظهار نظر کنند. به این ترتیب مجرمان به عنوان پذیرندگان پیشنهاد مقام قضایی مانند دادستان می‌توانند در روند توافق دخالت کنند. از آنجایی که حکم جایگزین حبس برای متهم محدودیت جسمی و روحی دارد، مجرم باید از اجرای آن راضی باشد. یعنی مجرمان حق دارند دقیقاً بدانند که چه کاری از آنها خواسته می‌شود (آشوری، ۱۳۹۲: ۳۲۷).

بخش ششم: ارزیابی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از منظر اثر بخشی آثار اصلاحی آن

قاعدتاً به دلیل اینکه در زندان‌ها با یک حجم انبوهی از جمعیت انسانی مواجه هستیم تصویب قوانین مرتبط با آن امری حساس می‌باشد و دائماً تغییرات حاصل شده مورد انتقاد و حمایت صاحب نظران قرار خواهد گرفت که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نیز از این غائله مستثنا نیست. سابقاً مشخص شد که هدف از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری کاهش جمعیت حاضر در زندان‌ها و همچنین صرفه جویی در هزینه‌های مربوط به آنان می‌باشد. با توجه به اینکه وظیفه اصلی زندان‌ها، اصلاح، تربیت و باز سازگاری اجتماعی زندانیان می‌باشد، روشن است که تصویب چنین قوانینی در مسیر موفقیت آمیز اصلاح و تربیت زندانیان اثر گذار می‌باشد. با ذکر این مقدمه، فصل حاضر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را از جهات ارتباط با زندانها در حوزه علل تورم جمعیت کیفری و اثربخشی‌های متفاوت قانون مذکور در رابطه با فعالیت‌های زندان مورد بررسی قرار داده است.

بند اول: مسئله ازدحام در زندان‌ها

ازدحام بیش از حد زندان‌ها برای هر جامعه‌ای نوعی بحران محسوب می‌شود که پیامدهای زیادی برای جامعه دارد. این ازدحام بیش از حد پیامد شیوه رویکردها و سیاست‌هایی است که جامعه در نظام عدالت کیفری خود برای پاسخگویی به رفتار مجرمانه به کار گرفته است. پاسخ‌های کیفری مجموعه‌ای از اقدامات و اقداماتی تلقی می‌شود که گاه به عنوان جایگزین حبس و کاهش تبعات زیان بار آن تلقی می‌شود و گاه متأثر از اصول اساسی حقوق جزا از جمله اصل حداقل‌های حقوق کیفری و در نتیجه است. لزوم توسل حداقلی به مجازات توسط نظام عدالت کیفری یا با مشارکت مجرم و یا جامعه مورد استفاده



قرار می گیرد (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۳). بدیهی است که معضل ازدحام بیش از حد زندان ها یکی از مهمترین مشکلات جوامع و دولت هاست و با توجه به اینکه تلاش های زیادی برای کاهش جمعیت کیفری زندان ها صورت گرفته است، این مشکل همچنان پابرجاست. وجود بحث های فراوان در کشور نشان می دهد که شلوغی زندان ها مشکل بزرگی برای دولت، قوه قضائیه و سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور است. ازدحام بیش از حد در زندان ها علاوه بر اینکه کرامت انسانی و سلامت جسمی و روانی زندانیان را به خطر می اندازد، اهداف اصلاحی را نیز به شدت به خطر می اندازد. این ازدحام، بار مالی قابل توجهی را به دولت ها تحمیل می کند، برنامه های اصلاحی را تحت تأثیر قرار می دهد و همچنین فشار مضاعفی را بر کارکنانی که وظیفه خطیر و سنگین اصلاح و تربیت زندانیان را بر عهده دارند، وارد می کند. این شلوغی معمولاً تأثیرات منفی بر تمامی شرایط اجرای حکم زندان و نیز آثار مورد انتظار دارد. اولین تأثیری که مستقیماً بر زندانی تأثیر می گذارد این است که فضای زندگی او محدودتر می شود و حریم خصوصی و کرامت انسانی وی تضعیف می شود. علاوه بر تأثیر فوق، خدمات عمومی در زندان ها از جمله برنامه های درمانی، آموزشی، آموزشی و توان بخشی برای زندانیان کاهش یافته و محیط مستعد افزایش بیماری های عفونی مانند ایدز، هپاتیت و سل می شود و در این راستا با افزایش جمعیت زندانیان داخل زندان، سلامت زندانیان آسیب پذیر نیز رو به افزایش است که شامل زندانیان سالمند و معلول می شود. همچنین برنامه های اصلاحی و تربیتی از قبیل آموزش، اشتغال و حرفه آموزی در نظر گرفته شده برای زندانیان در زندان های پرجمعیت با موفقیت اجرا نمی شود. انجام یک کار تولیدی همراه با دستمزد یکی از عناصر اصلی زندگی زندانی محسوب می شود. البته مشروط به این که کار، سنگین، طاقت فرسا و با اعمال شاقه نباشد و به سایر حقوق وی از جمله حق بر آسایش لطمه نزند. حق کار در اسناد بین المللی متعددی مورد تاکید قرار گرفته است (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). همچنین سازوکارهایی مانند ارتقای سطح آموزش، کتابخوانی، استفاده از روزنامه و مجلات، ساعات ملاقات با خانواده و مکالمه تلفنی در جهت سازگاری مجدد اجتماعی زندانیان که از وظایف سازمان زندان ها و حفاظتی و تربیتی است. با توجه به ازدحام بیش از حد در زندان ها عملی نیست و باعث ایجاد شکاف بین زندانی و جامعه می شود. تأثیر بسیار مهم دیگری که مستقیماً بر برنامه های امنیتی و اصلاحی زندان ها و زندانیان تأثیر می گذارد، نسبت تعداد کارکنان به تعداد



زندانیان در زندان است. این ازدحام از لحاظ امنیتی مشکلات متعددی را برای کارکنان زندان در پی دارد و در مواقعی تامین امنیت زندان در مقابله با سیلی از جمعیت زندانیان با مشکل روبرو می شود و همچنین موجب افزایش استرس، نگرانی، فشارهای روانی و در نتیجه کاهش اثربخشی مثبت از سوی کارکنان زندان ها می شود. همچنین وظیفه اصلاح و تربیت زندانیان با کارکنان بخش های مختلف زندان می باشد که در این صورت با ازدحام جمعیت حاضر در زندان مطمئناً این وظیفه به مخاطره می افتد. با افزایش جمعیت زندان، نیروی انسانی کارآمد و متناسب برای مدیریت زندان کمتر در دسترس خواهد بود و مشکلاتی که موجب ازدحام جمعیت زندان می شوند می توانند پیامدهای جدی بر عملکرد و نگرش کارکنان و همچنین بر روی توانایی های آنان داشته باشند و در مسیر ایفای وظایف و تعهدات حرفه ای آنان مشکل ایجاد کنند (شاطری پور اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۸).

بخش هفتم: نقش قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در بهبود عوامل

دخیل در ازدحام جمعیت زندان ها

همان گونه که سابقاً عنوان شد یکی از دلایل تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بهبود جمعیت کیفری حاضر در زندان ها می باشد. در همین راستا مشخص است که عوامل فراوانی موجب تورم جمعیت کیفری حاضر در زندان ها می باشد که در این قسمت سعی بر این شده است که مهمترین عوامل دخیل، مشخص و نقش قانون مورد نظر در مسیر بهبود هدف فوق بررسی گردد. قاعداً عوامل فراوانی بر تورم جمعیت کیفری اثر گذار می باشد لکن عامل جمعیت یکی از آن عوامل می باشد که پیرو تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مورد بررسی قرار می گیرد.

بند اول: عوامل اساسی و انتظارات جامعه

قاعداً وقتی شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دستخوش تغییر می شود، نگاه به مجازات ها نیز متفاوت می شود. با نگاهی به تغییرات و تحولات مجازات ها در تاریخ، به راحتی می توان دریافت که پاسخ هایی که از طریق مجازات ها داده می شود، به دلیل شرایطی که در بالا ذکر شد، پیوسته در حال تغییر بوده است. همچنین افرادی که با محرومیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه هستند معمولاً از سطح آگاهی پایین تری برخوردار هستند که این خود به تنهایی می تواند باعث فروپاشی کانون گرم خانواده ها، حرکت به سمت



اعتیاد به مواد مخدر و الکل شود. در واقع جامعه با پرداخت هزینه های نگهداری و توانبخشی به اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرم می پردازد و با این کار او پیش قدم می شود تا کاستی های خود را جبران کند و بهتر بگوییم بدهی را بپردازد. هزینه هایی که باید در گذشته به جای شهروندان انجام می شد. آنها از فرهنگ به طور مساوی و منصفانه بهره بردند. بخشی از عوامل بزهکاری شهروندان ناشی از نارسایی های جامعه تحت مجموعه محیط های فرهنگی و اقتصادی است. زمانی که جامعه در تقسیم فرهنگ، اقتصاد، شغل و ثروت عادلانه برخورد نکند، یکی از مهم ترین عوامل پیدایش پدیده مجرمانه محسوب می شود. بنابراین چنین جامعه ای باید تاوان عدم اقدام خود را در قبال فرزندان توسعه نیافته خود بپردازد (ونکی، پیشین: ۱۳۶). به گفته کارشناسان حقوق جزا یکی از ایرادات و دغدغه های حبس، جلوگیری از فعال بودن نیروی کار جامعه است. قانون تخفیف مجازات حبس در کنار سایر موارد، از نظر نیروی انسانی سهم قابل قبولی در اقتصاد جامعه داشته و با کاهش جمعیت کیفری زندان ها، نیروی کار مناسبی را در اختیار جامعه قرار داده است، اما عوامل دیگر از جمله اینکه آیا جامعه ظرفیت تصاحب و اعطای اشتغال و در نهایت درآمدزایی برای این افراد را دارد موضوعی جداگانه است که باید مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. روشن است که کاهش جمعیت کیفری زندان ها از لحاظ عملی زمان بر نمی باشد زیرا که با استفاده از ظرفیت ها و مصوبه های قانونی می توان به این امر اهتمام ورزید ولی کاهش جمعیت منطقی کیفری زندان ها باید به صورتی باشد که زندانی آزاد شده با اصلاحات صورت گرفته راه را برای بازگشت خود و یا سایر اشخاص حاضر در جامعه به زندان قطع نماید و همچنین با توجه به نگاه های خاص مردم به زندانیان آزاد شده و حساسیت های موجود در جامعه علیه آنان باید تدابیری در جهت اشتغال و فعالیت های اقتصادی آنان اندیشیده شود تا نگرانی های فوق پایان یابد.

بند دوم: تاخیر در روند قضایی و استفاده بیش از حد از بازداشت های موقت

واضح است که تاخیر در روند قضایی تاثیر مستقیمی بر ازدحام بیش از حد زندان ها دارد. تاخیر در رسیدگی نیروی انتظامی یا مراجع قضایی به دلیل کمبود نیروی کافی و آموزش دیده، عدم همکاری موثر و ضعف تبادل اطلاعات بین



نهادهای مختلف از جمله دادگاه و نیروی انتظامی، کمبود قضای، حجم عظیم پرونده های موجود. و همچنین حجم بالای پرونده ورودی جهت رسیدگی را می توان یکی از مهم ترین دلایل تاخیر در روند قانونی دانست. همچنین می توان ادعان نمود که بخش زیادی از جمعیت زندان ها را افرادی تشکیل می دهند که هنوز هیچ گونه حکم محکومیتی برای آنان صادر نشده است و با تجمع عوامل فوق تعداد ایام زیادی را در زندان به سر می برند و دست به دست هم دادن این عوامل به راحتی باعث افزایش جمعیت حاضر در زندان ها می گردد.

ورود به فرایند عدالت کیفری با دستگیری فردی که در مظان اتهام قرار گرفته آغاز می گردد. دستگیری ها می تواند آثار و پیامدهای متعددی بر مجموعه فرایندهای عدالت کیفری داشته باشد. با افزایش تعداد افراد دستگیر شده، ورودی پرونده های محاکم افزایش می یابد و مراجع قضایی و رسیدگی کننده، با حجم زیادی از دعاوی مواجه می گردد که بر اساس ظرفیت ها و امکانات موجود در دسترس نمی توانند به آنها رسیدگی کنند. در نتیجه انباشت پرونده ها، تاخیرها طولانی تر و فرایند رسیدگی برای مردم و دستگاه قضا فرسایشی می گردد. در نهایت به دلیل وجود ظرفیت های محدود و رعایت نشدن تشریفات رسیدگی، احتمال بی عدالتی و تشدید نارضایتی افزایش پیدا می کند (همان: ۸۵ و ۸۶).

این بازداشت پیش از محاکمه و صدور حکم که تحت عنوان بازداشت موقت از آن یاد می شود، فارغ از منفعت هایی که برای دستگاه قضایی از جمله جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و جلوگیری از امحای آثار دارد، دربردارنده پیامدهای منفی از جمله متاثر شدن فضای خانواده متهم و افزایش جمعیت حاضر در زندان می باشد. در این باره و مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با توجه به کاهش میزان مجازات آدم ربایی در حالت غیر عنف و تهدید و خروج این جرم از بند " ب " ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری، اگر متهمی به علت صدور قرار بازداشت موقت در زندان حضور داشته باشد، قرار صادره باید به قرار مناسب دیگری تبدیل گردد.

بند سوم: حبس ابد یا حبس های بلند مدت

واضح است که اقامت طولانی مدت زندانی در زندان ارتباط مستقیمی با افزایش جمعیت در زندان دارد. با وجود تشریفات سخت قضایی متعدد، امکان



حبس ابد و حبس طویل‌المدت در برخی قوانین در جامعه پیش‌بینی شده است. مطابق توصیه‌های سازمان ملل متحد کشورهای که مجازات حبس ابد از اقسام مجازات آنها می‌باشد، این دولت‌ها باید در مواقعی که فرد مرتکب جرایم بسیار شدید و خطرناک شده و همچنین مصلحت و امنیت جامعه ایجاب می‌کند که فرد به حبس ابد محکوم گردد، مجاز به استفاده از این مجازات می‌باشند. در این رابطه و در حال حاضر و با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تمام مجازات‌های حبس ابد غیر حدی به حبس درجه یک تبدیل شده است ولی کماکان طولانی بودن مدت زمان آن و همچنین سایر مجازات‌های حبس که بلند مدت می‌باشند به باز اجتماعی شدن محکومان کمک شایانی نمی‌کند و همچنین تحت تاثیر قرار گرفتن کانون خانواده‌ها، فرسودگی، تهدیدهای جسمانی و روانی و همچنین از دست دادن موقعیت‌های مختلف موجود در زندگی از پیامدهای مختلف برای حبس‌های طولانی مدت می‌باشد. در رابطه با جرایم مواد مخدر بررسی‌ها حاکی از آن است که قانونگذار رویکردی سخت و کامل شدیدی را در مقابله با جرایم مرتبط با مواد مخدر در پیش گرفته است و همچنین روشن است که تعداد زیادی از زندانیان حاضر در زندان‌ها تحت محکومیت مجازات‌های مرتبط با مواد مخدر می‌باشد. مجازات اعدام با حذف دائمی مرتکبان خطرناک، موثرترین شکل ناتوان‌سازی است، اما با لغو آن در بیشتر کشورهای جهان بهترین جایگزین آن جهت ناتوانی بزهکاران خطرناک، حبس‌های اغلب طولانی مدت است. امروزه با وجود مخالفت‌ها و انتقادهای شدید به مجازات حبس، بازگشتی به کیفر حبس‌های بلند مدت برای کنترل و توان‌گیری از بزهکاران خطرناک در نظام‌های حقوقی دنیا صورت پذیرفته است. اگرچه حبس ممکن است افراد را از ارتکاب به رفتارهای منحرفانه مجدد در آینده باز ندارد، اما باعث می‌گردد، بزهکار مدت زمانی که در حبس به سر می‌برد از ارتکاب جرائم و صدمه به جامعه باز داشته شود. بر همین مبنا مانع رفتارهای آسیب‌زا برای جامعه می‌شود. از این رو، مجازات حبس طولانی مدت عاملی برای توان‌گیری از مرتکبان خطرناک به حساب می‌آید (رضوانی، ۱۳۹۶: ۲۳۰).



بند چهارم: عدم تمایل قضات به صدور احکام برای مؤسسات غیر حبس

مسئولیت اجتماعی نوعی احساس وابستگی اجتماعی و مسئولیت پذیری در قبال جامعه است. تصمیم دادگاه در خصوص صدور حکم تنها یک تصمیم قضایی و محدود به همان دادگاه یا اصحاب دعوا نیست، بلکه تصمیمی است که جامعه را درگیر عواقب آن می‌کند و قاضی باید نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی خود آگاه باشد، نسبت به این رفتار و رأی خود را بر اساس تأمین مصالح جامعه صادر کند. وقتی به یک نهاد عدالت کیفری اختیار و قدرت تصمیم‌گیری داده می‌شود، به معنای رفتار خودسرانه و هوس باز بدون در نظر گرفتن منافع و مفاسد نیست. توجه بیشتر به مسئولیت اجتماعی قضات در تصمیمات قضایی و توجه به هزینه‌های فردی و اجتماعی تصمیمات قضایی با جلب مشارکت اجتماعی مردم باعث افزایش اعتماد مردم به دستگاه قضایی می‌شود. پیدایش روش نیمه آزادی به دلیل اجرای نظام آموزشی خاصی است که در اصطلاح جرم‌شناسان به نظام ایرلندی یا سیستم تدریجی معروف است. همواره سعی بر این بوده است که محیط زندان مکانی برای تربیت و اصلاح محکومان باشد، اما صرف نظر از میزان موفقیت این برنامه‌ها، زندان محیطی است که توان افراد را می‌گیرد و باعث دوری آنان از هنجارها و واقعیات زندگی می‌شود. بر این اساس سعی شده تا حد امکان زندانیان بخشی از دوران محکومیت خود را در محیط‌های وسیع تری یعنی زندان‌های باز و نیمه باز بگذرانند (مصدق، ۱۳۹۳: ۲۳۲).

صدور احکام برای مؤسسات غیر حبس یکی از مهمترین راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها است. نبود بودجه کافی، کارکنان شایسته در امر مذکور، عدم اعتماد به اثربخشی آنها و نبود زیرساخت‌های مناسب از مهمترین دلایل عدم استفاده از آنها است. اگر تا حد امکان در اختیار قضات قرار گیرد، صدور احکام برای آنها عملاً جمعیت زندان‌ها را کاهش می‌دهد. در این باره در مواد ۸ و ۹ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قانونگذار اقدام به گسترش شمول نهادهای نیمه آزادی و نظارت الکترونیک نموده است که فارغ از این حرکت حبس زدا، زیرساخت‌ها و امکانات باید به نحو مطلوبی ساماندهی شوند که قضات تمایل بیشتری جهت استفاده از این نهادها داشته باشند. روشن است که افزایش



ظرفیت استفاده از نهادهای نیمه آزادی و نظارت الکترونیک در کنار ساماندهی مطلوب زیرساخت ها و امکانات این امید را در دل قضات زنده می کند که در جهت کاهش جمعیت کیفری زندان ها از نهادهای مذکور استفاده نمایند ولی صرف افزایش ظرفیت استفاده بدون توجه به زیرساخت ها و امکانات و با توجه به اینکه استفاده از نهادهای مذکور برای قضات اختیاری می باشد، قضات را از صدور احکام در رابطه با استفاده از نهادهای مذکور منصرف می سازد. تأسیس مرکز نیمه آزادی و تشکیل مراکز متناظر آن در ادارات کل زندان های استان ها به منظور اجرای برنامه ها و تحقق اهداف نظام نیمه آزادی در اجرای ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، نظارت بر مراکز نیمه آزادی در استان ها و شهرستان ها و محکومان تحت پوشش نظام مذکور، ارزیابی فعالیت ها، و تهیه گزارش و آمار مربوط به نظام نیمه آزادی از مهمترین وظایف سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور در رابطه با اجرای احسن نظام نیمه آزادی می باشد و همچنین در رابطه با نظارت الکترونیک، سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مکلف است محدوده و ظرفیت مراقبت که از لحاظ فنی امکان مراقبت الکترونیکی در آنها وجود دارد را از طریق سامانه های مربوطه به دادگستری های کل کشور اعلام نماید تا قضات دادگستری و سایر مراجع ذی ربط در آن محدوده اقدام به صدور قرار مراقبت الکترونیکی وفق مقررات قانونی کنند. یکی از معایب نظارت الکترونیکی مشکلات فنی است که در زمان اجرا با آن روبرو می شوند. برخی انواع ساخت و سازهای ساختمانی می تواند علامت دستگاه را قطع کند. تلفن اتفاقی در نیمه شب، نه تنها خواب بهره ور تحت نظارت را قطع می کند، بلکه نیازمند آن است که یک کارمند در واکنش نشان دادن به یک تخلف احساس وظیفه نماید (آشوری، ۱۳۹۸: ۳۹۶).

بخش هشتم: راهکارهای منطقی برای کاهش جمعیت کیفری زندان ها با تکیه بر اثربخشی فعالیت های اصلاحی

بدیهی است که بررسی علل اساسی جرایم در ارائه راهکارهای اساسی برای کاهش ازدحام در زندان ها ضروری است. انتظار می رود اقدامات پیشنهادی سیاستمداران جامعه برای کاهش جمعیت کیفری در زندان ها، اقدامات اساسی،



عقلانی، هدفمند و درازمدت باشد، زیرا حتی در صورت مخالفت با این موارد، جمعیت مذکور عواقبی را برای جامعه به همراه خواهد داشت. ارائه آموزش، اشتغال، سیاست های پیشگیری از وقوع جرم، حمایت اجتماعی عادلانه و حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه از ارکان مهم این اقدامات است. همچنین اقدام صحیح و موثر در این زمینه ایجاد همکاری و ارتباط بین نهادهای دولتی و نهادهای غیردولتی مدنی و اجتماعی است. موفقیت در چنین استراتژی هایی مستلزم اراده سیاسی دولت برای حمایت از اصلاحات با سرمایه گذاری در خدمات ضروری است. به موازات این عمل، اقدام خوب و مؤثر، آموزش عمومی مستند و دقیق است که منجر به دستیابی به این نگرش می شود. نقش اراده سیاسی در کاهش جمعیت کیفری موجود در زندان ها را نمی توان نادیده گرفت، زیرا بدون اراده سیاسی جوامع، سیاست های عظیمی که نیاز به حمایت محکم و قابل اجرا خواهد بود. در این راستا، قانون کاهش خدمت کیفری توانسته با کاهش جمعیت کیفری در زندان ها و در نتیجه کاهش هزینه های پرداختی برای نگهداری زندانیان نقش بسزایی ایفا کند. ولی باید دید که با این کاهش هزینه ها آیا اقداماتی جهت افزایش بهره وری از نیروی انسانی انجام می گیرد یا خیر که طبیعتاً لازم است که چه با کاهش جمعیت کیفری حاضر در زندان ها و چه با افزایش جمعیت آنان سرمایه گذاری هایی جهت افزایش بهره وری از نیروی انسانی مرتبط با اصلاح و تربیت و باز سازگاری اجتماعی زندانیان انجام پذیرد. بهبود وضعیت پرداخت حقوق ها متناسب با فعالیت شغلی سخت، افزایش امکانات رفاهی جهت استفاده کارکنان و خانواده های آنان و همچنین برخورداری از سایر مزایایی که رفاه متناسبی را برای کارمندان زندان ها در بر دارد دیگر راه های افزایش بهره وری از نیروی انسانی حاضر در زندان ها می باشد و همچنین ایجاد دانشگاه در ارتباط با علوم مرتبط با زندانبانی و آموزش دروس مرتبط با فعالیت های درون زندان از راه های پرورش نیروی انسانی منحصر به سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور می باشد که در جهت مدیریت علمی زندان ها اقداماتی الزامی و مثمر ثمر در امر اصلاح و تربیت می باشد.

یکی از راه های کاهش جمعیت کیفری در زندان ها کاهش مدت مجازات



است. از آنجایی که قانونگذار در تعیین مهلت اجرای حکم کیفری آزادی عمل زیادی دارد، می تواند به منظور کاهش تعداد زندانیان، مدت حبس را کاهش دهد. این روش حساس نباید برای فرار از انبوه مجرمان حاضر در زندان ها مورد استفاده قرار گیرد و تصویب بیش از حد این قوانین تحت هیچ شرایطی توصیه نمی شود. در این روش نیاز است که ابتدا علت اقدام واکاوی گردد و در صورتی که مورد تایید اندیشمندان و صاحب نظران علوم کیفری قرار گرفت سپس در راستای تکمیل نقصان فعالیت تربیتی زندانیانی که به موجب این قانون آزاد می شوند طرق مختلفی را جهت تکمیل اصلاح و تربیت و باز سازگاری اجتماعی آنان عنوان نمایند. ارائه طرق مختلف تکمیل اصلاح و تربیت و باز سازگاری اجتماعی زندانیان آزاد شده به واسطه قانون فوق در حیطه قانون گذاران نیست ولی حساسیت تصویب چنین قوانینی بدین صورت است که در ابتدا امنیت حاضر تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و همچنین با توجه به ناقص بودن فعالیت های تربیتی و عدم ارائه راهکار جهت تکمیل فعالیت های فوق این نگرانی را در اذهان به وجود می آورد که زندانی مذکور در سطح جامعه مجدداً مرتکب جرم و یا دعوت سایرین به ارتکاب جرم بنماید. بدیهی است که هدف از استفاده از این روش کاهش جمعیت زندانیان در زندان ها است و انتظار می رود قانونگذار قبل از توسل به این روش، ظرفیت های موجود در مؤسسات را برای نگهداری از زندانیان پس از آزادی در نظر گرفته و لزوماً رفع کمبودهای ظرفیت های موجود ببخشید چرا که نهادهایی که پس از آزادی از زندانیان مراقبت می کنند نقش بسزایی در تکمیل فعالیت های آموزشی زندان ها دارند. همانگونه که سابقاً عنوان شد کمک به خانواده زندانیان، بازسازی شخصیت و اصلاح و ارشاد زندانیان، کمک به اشتغال زندانیان پس از آزادی با تهیه فرصت های شغلی و کمک مالی، مساعدت در بهبود وضع بهداشت و درمان، ترغیب و تشویق فعالیت های فرهنگی و ورزشی، حرفه ای و آموزشی و همچنین ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، ازدواج، ادامه تحصیل، تامین مسکن و سایر فعالیت های حمایتی از مهمترین اقدامات نهادهای مراقبت بعد از آزادی زندانیان می باشد. لازم است که در این باره تدابیری از جمله گسترش بستر استفاده از انواع آموزش ها، گسترش زمینه های اشتغال و همچنین حذف موانع



استخدام آنان در دستگاه های دولتی و خصوصی، افزایش حمایت های اجتماعی و همچنین الزام حمایت سازمان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی انجام گردد تا قدمی جهت تکمیل فعالیت ناقص تربیتی زندان ها برداشته شود. شاید انجام کامل فعالیت های فوق تا حدودی اغراق آمیز باشد ولی نکته ای که در راستای اصلاح و تربیت زندانیان باید مدنظر ویژه ای قرار بگیرد مسئله اشتغال آنان است. قاعدتاً اشتغال زندانیان علی الخصوص آن دسته از زندانیانی که سابقاً فاقد شغل و درآمد معینی بوده اند باید بیشتر مد نظر باشد و صرفاً محدود به اشتغال و درآمد درون زندان نباشد. در این راستا سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با همکاری سایر قوا و نهادهای مربوطه می تواند به تهیه کارخانه ها و مراکز تولیدی عظیم اقدام نماید و ضمن تأمین شغل دائمی واجدین شرایط زندانیان آزاد شده، به افزایش درآمد سازمان زندان ها اقدامات تأمینی و تربیتی کشور کمک شایانی نمایند. شاید با گفته فوق این شائبه در اذهان بروز نماید که با این اقدام مثبت، زندانیان آزاد شده دائماً به جهت اشتغال در این مراکز انگشت نما شوند ولی لازم به ذکر است که مراکز متعددی در کشور وجود دارد که در راستای حمایت از زندانیان آزاد شده از آنان دعوت به کار می نمایند و هیچ گونه انگشت نمایی متوجه آنان نیست و ضمناً با این اقدام صرف نظر از حمایت های انجام شده، نوع نگاه منفی آحاد مردم جامعه نسبت به زندانیان آزاد شده تغییر داده خواهد شد. همچنین صرف اشتغال و درآمد داخل زندان مختص زمان در حبس بودن زندانی می باشد و چه بسا پیرو گواهینامه های مهارت اهدا شده به زندانیان در راستای ایجاد اشتغال، فرد مورد نظر توانایی مالی جهت ایجاد اشتغال پس از آزادی را نداشته باشد. ذکر این نکته لازم است که توانایی مالی زندانیان آزاد شده همانند یکدیگر نیست و مسئله مورد نظر در اینجا مجموعه ای از آزاد شدگانی می باشد که در راستای ایجاد اشتغال با کمبودهای مالی دست و پنجه نرم می کنند که در این راستا تسهیلات خود اشتغال زایی مختص ایجاد کسب و کار به این دسته از زندانیان آزاد شده اختصاص می یابد. مسئله نگران کننده در این رابطه این است که نهادهای حامی زندانیان در جهت مراقبت پس از آزادی، نهادهای خصوصی بوده و کمتر از حمایت های دولتی برخوردار می باشند. همچنین در صورت



تصویب و اجرای چنین قوانینی که عموماً موجب کاهش هزینه های عمومی نگهداری زندان ها و زندانیان می شود، صرفه جویی در هزینه ها صرف افزایش بهره وری زندان ها می شود و در این راستا لازم است اقدام به اجرای یک برنامه ریزی شود. نظارت زیاد همچنین ذکر این نکته ضروری است که در فرآیند توسل به این روش باید به اهمیت سازش در برابر جرائمی که حساسیت بیشتری نسبت به سایر جرایم دارند، توجه شود، باعث عدم بهره وری کامل از این روش می باشد که به همین منظور قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ با سازش در مقابل جرایمی مانند آدم ربایی و توهین ساده زمینه بروز انتقادات گسترده را فراهم کرده است. پیرو گفت فوق و در جهت استفاده حداکثری از نهادهای جایگزین حبس لازم است که ابتدا زیرساخت ها و منابع جهت استفاده حداکثری از نهادهای مذکور تامین گردد زیرا که گسترش زمینه استفاده از نهادهای مذکور در مقابل عدم وجود زیرساخت و منابع مناسب و عدم اعتماد قضات بر این نهادها اثربخشی مثبتی را به همراه نخواهد داشت.

نتیجه گیری

بشر از گذشته تا به حال دائماً در حال دفاع از حقوق و آزادی های خویش بوده و در این راستا مجرمین و متجاوزان را با اقدامات و واکنش های مختلفی به مجازات رسانده است. مجازات حبس در جوامع مختلف با برتری داشتن نسبت به سایر مجازات ها مانند از جهت در امان ماندن جامعه از آسیب ها و همچنین سرعت اجرای بالای آن طرفدارترین و پرکاربردترین مجازات معرفی و انتخاب شده است که همین موضوع با گذشت زمان و روشن شدن پیام های آن از جمله ازدحام جمعیت کیفری حاضر در زندان ها و لزوم کاهش جمعیت مذکور مورد انتقاد و دفاع مجدد قرار گرفته است. مسئله ازدحام جمعیت حاضر در زندان ها با توجه به ویژگی بحرانی بودن و پیچیدگی آن معضلی نخواهد بود که قابلیت برطرف شدن را نداشته باشد. ازدحام جمعیت حاضر در زندان ها مطمئناً به نقض حقوق انسانی زندانیان می انجامد و این نقض حقوق قاعداً دستیابی به اهداف اصلاحی، تربیتی و بازسازی اجتماعی را تحت تاثیر منفی خود قرار می دهد که لازم است با داشتن برنامه ای جامع، کامل و کاربردی با هدف کاهش جمعیت



حاضر در زندان ها و همچنین کاهش ورود مجدد زندانیان سابق به زندان ها این مهم را انجام داد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نوآوری های مختلفی را از جمله تقلیل یا تبدیل مجازات حبس، گسترش اختیار محاکم در زمینه اعمال تخفیف مجازات ها، تبدیل حبس های ابد غیر حدی به حبس درجه یک، توسعه امکان تعلیق اجرای مجازات، افزایش جرایم قابل گذشت و همچنین افزایش جایگزین های حبس در موارد تعدد جرم در حقوق کیفری ایران به وجود آورد.

هدف اصلی قانونگذار، ابتدا کاهش هزینه های مربوط به نگهداری زندانیان و در مرحله بعد کاهش جمعیت کیفری زندان هاست که قاعداً نباید برای دست یابی به این اهداف دست به تصویب چنین قوانینی زد. با توجه به متن قانون مورد نظر می توان تغییر در مجازات جرم توهین ساده که به جزای نقدی درجه شش تغییر پیدا کرده است را با توجه به اینکه میزان ارتکاب آن با توجه به شرایط جامعه هر روزه در حال افزایش است مورد انتقاد قرار داد و روشن است که واریز جزای نقدی درجه شش به خزانه بیت المال التیام بخش حیثیت بزه دیدگان جرم مذکور نمی باشد و همچنین اتخاذ رویکردی سبک تر نسبت به جرم مهمی نظیر آدم ربایی سخت مورد انتقاد است و قطعاً حمایت از بزه دیدگان جرم مذکور مهمتر می باشد و کاهش مجازات چنین جرایمی که مستقیماً با امنیت و آزادی اشخاص جامعه در ارتباط می باشد، قابل انتقاد است. همچنین قابل گذشت دانستن جرایمی نظیر سقط جنین و تدلیس در عقد نکاح اثرات منفی در تحکیم نظام خانواده را به همراه خواهد داشت و قابل انتقاد است که جرم افشای اسرار بیماران توسط اطبا و جراحان و ماماها به چه دلیلی قابل گذشت اعلام شده و از حمایت کیفری کمتری در قبال بزه دیدگان چنین جرایمی برخوردار است. تصویب قوانینی که صرفاً جمعیت کیفری حاضر در زندان ها را کاهش می دهد موجب حذف صورت مسئله است و برای رسیدن به اهداف مشخص شده باید بیش از پیش عوامل دخیل در اصلاح و تربیت زندانیان تقویت و مجهز تر از گذشته گردند و مسیر تصویب قوانین باید به سمت و سویی رود که به موجب آن شاهد افزایش بهره وری از فعالیت فعالان اصلاح و تربیت زندانیان باشیم. همچنین مشخص شد که استفاده از قانون



کاهش مجازات حبس تعزیری به طور مقطعی موجب التیام بخشی به شرایط داخلی زندان ها خواهد شد و با توجه به اخلاص در فرایند اصلاح و تربیت زندانیان آزاد شده و همچنین با توجه به آمار بسیار زیاد جمعیت آزاد شده مطابق این قانون نباید انتظار داشت که نهادهای حامی بتوانند به طور کامل از زندانی آزاد شده حمایت کنند که در این راستا مدیریت علمی زندان ها ، ایجاد زمینه های بیشتر در راستای افزایش اشتغال و آموزشی زندانیان ، تامین نیروی انسانی کافی و متخصص، افزایش ایجاد اعتقاد بر اصلاح و تربیت زندانیان و همچنین افزایش حمایت از نهادهای حامی زندانیان آزاد شده رami توان راه حل های منطقی تر با نتیجه های دائمی عنوان کرد.



منابع و مأخذ

الف) فارسی

- ۱- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران: مرکز نشر جهش، چاپ اول، ۱۳۹۸
- ۲- بکاریا، سزار، جریام و مجازات ها، ترجمه اردبیلی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴
- ۳- پردال، جان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، سمت، ۱۳۷۳
- ۴- رضوانی، سودابه، مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶
- ۵- رسولی زکریا، علی، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تهران: نشر دادستان، چاپ اول، ۱۳۹۹
- ۶- شاطری پور اصفهانی، شهید، مسئله شناسی ازدحام جمعیت زندان در ایران، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳۹۹
- ۷- صدارت، علی، حقوق جزا و جرم شناسی، تهران، انتشارات کانون معرفت، ۱۳۴۰
- ۸- صالحی، جاوید، کیفرشناسی، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴
- ۹- صفاری، علی، کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ سی و چهارم، ۱۳۹۹
- ۱۰- غلامی، حسین، کیفرشناسی «کلیات و مبانی پاسخ شناسی جرم»، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶
- ۱۱- غلامی، حسین، اصل حداقل بودن حقوق جزا، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۱
- ۱۲- گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶



- ۱۳- من شنین، مارلین، ویلیامز، فان، پذیرش فرهنگ زندان، ترجمه حسین غلامی، پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه تهران، شماره ۷، ۱۳۸۱
- ۱۴- محمدی، معصومه، تحلیل آثار حبس بر زندانیان در پرتو قوانین سه‌گانه گابریل تارد، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵
- ۱۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶
- ۱۶- نریمانی، مهدی، نصیری، ولی اله، مطلق العنان، اکبر، نجد قهرمانی، سمیه، بررسی حقوق‌زندانی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران: اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۶
- ۱۷- ونکی، دکتر احمدرضا، جرم‌شناسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۴۰۰

ب) منابع لاتین

- ۱-Christophe Merle, Jean, (۲۰۰۰) *A Kantian Critique of Kant's Theory of Punishment, Law and Philosophy*, Vol. ۱۹, No. ۳
- ۲-Roche, D. (۲۰۰۳). *Accountability in restorative justice*, Oxford University Press, Oxford
- ۳-Braithwaite, J. (۲۰۰۲). "The Rise and Risks of Restorative Justice". *British Journal of Criminology*, Hart Publishing, Oxford.